ادامه از صفحه ۵

نظام بهره‌برداری اجاره‌داری

معمولا در زمان انعقاد قرارداد، اجاره‌کار تمامی مبلغ اجاره‌بها را به موجر می‌پردازد. موجر نیز دفتریه خدمات جهاد کشاورزی را برای دریافت کود، سم، بذر و سایر نهاده‌های کشاورزی به اجاره‌کار تحویل می‌دهد و به مراکز خدماتی و پشتیبانی تولید و مرکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی اعلام می‌کند که زمین خود را (با معرفی مستاجر) اجاره داده است و یک نسخه تصویر قرارداد فی‌مابین را نیز به این مراکز و شرکت‌ها تسلیم می‌کند. اگر بنا باشد اجاره‌کار وام یا اعتباری از بانک‌ها و مؤسسات مالی در زمینه کشاورزی دریافت کند، قرارداد باید در دفاتر ثبت اسناد رسمی به امضا طرفین برسد. درحال‌حاضر جهت ثبت قرارداد در دفاتر اسناد رسمی طبق قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۷۶ عمل شده و اجاره‌نامه اراضی کشاورزی بین مالک و مستاجر به امضا می‌رسد. با توجه به عرفی و شفاهی‌بودن مناسبات حاکم بر نظام بهره‌برداری اجاره‌داری، نظام‌مندکردن این شیوه از بهره‌برداری در ساختار حقوقی و قانونی کشور ضرورت می‌یابد. این ضرورت در چارچوب توجه ویژه به مسئله نظام بهره‌برداری جهت اصلاح ساختاری شیوه‌های بهره‌برداری از منابع و عوامل تولید در دو دهه اخیر از یک‌سو و تمایل برای اجاره‌کاری در میان جامعه کشاورز از سوی دیگر مورد مداقه قرار گرفته است. جهت اجرای این طرح ابتدا باید بسترهای مربوطه فراهم شود تا از بروز مشکلات احتمالی جلوگیری شود. بنابراین قانون‌مندکردن نظام اجاره‌داری در چارچوب قوانین و مقررات نظام ثبتی و حقوقی کشور ضرورت و هدف اصلی به شمار می‌رود. بنابراین امروزه همه متفق‌القول‌اند که توسعه اجاره‌داری نیازمند تدوین یک نظام اجرائی مستحکم و قانومند است. این نظام اجرائی اجاره‌داری بر تمامی مراحل اجاره‌داری از آغاز تا پایان نظارت داشته و آن را مدیریت خواهد کرد. در نظام اجرائی اجاره‌داری ارکان‌ها و سازمان‌های مختلفی که در ارتباط مستقیم با ساختار نظام کشاورزی هستند، ذی‌مدخل بوده و وظایفی خواهند داشت. سازمان‌ها و عوامل ذی‌مدخل در این زمینه عبارت‌اند از وزارت جهاد کشاورزی، سازمان نظام مهندسی، سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور، مالک زمین به‌عنوان موجر و مستاجر، در تدوین نظام اجرائی اجاره‌داری هریک از عوامل فوق وظایفی دارند که لازم است در هنگام تدوین این نظام وظایف هریک مشخص شود. در این راستا همچنین تشکیل یک نظام صنفی مجزا مانند اتحادیه و صنف بنکه‌داران و مراکز معاملات ملکی جهت قانون‌مندکردن ثبت اجاره اراضی و نظارت بر کار این بنکه‌ها ضروری است. در این میان حضور نهادهایی مانند تعاونی‌های تولید هم به‌عنوان عنصر دوفاکتو توجه‌برانگیز است. یکی دیگر از نقش‌های تعاونی‌های تولید در روستاها، سازمان‌دهی نظام بهره‌برداری است که درکنار آن می‌توانند نظام اجاره‌داری را نیز سازمان‌دهی کند. نقش شرکت تعاونی تولید در سازمان‌دهی نظام اجاره‌داری عبارت است از ایجاد سازوکارهای قانونی برای مبادله تجاری با در نظر گرفتن منافع موجر و مستاجر؛ مانند زمان‌بندی اجاره (اصولا مدت زمان اجاره یک‌ساله به زبان هر دو طرف است، زیرا مستاجر برای دستیابی به حداکثر سود نوع سرمایه‌گذاری و در نهایت اعمال فشار بر زمین باعث کاهش کیفیت اراضی می‌شود). برای مثال قرارداد‌هایی که معمولا بهره‌برداران غیربومی مانند بزرعی‌ها و اصفهانی‌ها با مالکان بومی در گذشته منعقد می‌کردند، به دلیل یک‌ساله بودن زمان اجاره، مستاجر برای دستیابی به حداکثر سود و بازگشت سرمایه‌گذاری انجام شده، حداکثر بهره‌برداری را از مکینه‌ها و جاهای آب دراختیار انجام می‌دادند که این امر خود محل مناقشه با سایر بهره‌برداران و مالک زمین بود. در قرارداد‌های نوین اجاره، بر اساس مناسبات داوطلبانه و اشراف به حقوق طرفین تعریف شده و در قرارداد منعقده طرفین یک مرجع حل اختلاف تعیین می‌کنند که در مجموع بر اساس تفاهم مالک و مستاجر، همچنین ایجاد فضای اعتماد میان موجر و مستاجر (به غایتی زمین تحت تصرف فرد غیرکشاورز) شکل می‌گیرد. تعاونی تولید می‌تواند به‌عنوان دلیر مرضی‌الطرفین و عامل نظارتی بر قرارداد و حسن انجام تعهدات طرفین و به‌عنوان مرجع حل اختلاف موجر و مستاجر در قراردادهای اجاره نقش کند (البته ممکن است طرفین مرجع دیگری را انتخاب کنند). اما یکی از این مراجع مطمئن فقط میدان تعاونی تولید خواهد بود. از سویی تعاونی تولید می‌تواند در آموزش نیروهای مستاجر به‌عنوان نیروهای بومی فعال ایفای نقش کند. به غایتی تعاونی تولید می‌تواند به‌عنوان یک نیروی سازماندهی بهره‌برداری از منابع آب و اراضی را شکل دهد و همچنین قابلیت مورد‌نیاز امر از آموزش، ترویج، ارائه خدمات و نهاده‌های مورد‌نیاز برای اراضی اجاره‌ای را نیز بر عهده گرفته و در صورت امکان برای درآمدزایی مازاد خدمات خود را به واحدهای تولیدی بیرون‌از این نظام کند. در نهایت، باید بپذیریم که بخش کشاورزی به سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم نیاز دارد. شدت روبه‌رو به افزایش استهلاک، تعداد زیاد فرقاتحصیلان بخش کشاورزی و وجودداشتن فرصت‌های شغلی و ناگزیری آنها به فعالیت‌های کشاورزی و وجود بهره‌برداران کم‌زمین و بی‌زمین و برخوردار بودن آنها از منابع انسانی مناسب، کشاورزی کشور را به‌سوی نظام‌های بهره‌برداری انتقالی خواهد کشاند و در اثر کشورها با مکانیسم‌های نوینی خاص (مرغی و شرعی)، نظام‌های بهره‌برداری انتقالی مانند اشکال مختلف نظام اجاره‌داری ایجاد شده که زمینه‌ساز تحول در بخش کشاورزی شان بوده است.

خبر

جلسه ویژه برای راه‌اندازی بازار متشکل آزادی با حضور همتی

همزمان با نزدیک شدن به زمان آغاز فعالیت رسمی بازار متشکل ارزی، مدیران ارزی مرکزی و بازیگران متشکل ارزی عصر دیروز با رئیس کل بانک مرکزی جلسه ویژه داشتند. به گزارش تسنیم، به‌دنبال مباحث مطرح‌شده در جلسه مدیران بازار متشکل ارزی و صرافی‌ها، بعدازظهر دیروز کارشناسان و مدیران ارزی بانک مرکزی و بازار متشکل ارزی در دفتر رئیس کل بانک مرکزی موضوعات مطرح‌شده را بررسی کردند. در این جلسه تصمیم‌گیری مدیران و تصمیم‌گیری دادند. طبق اعلام بیانیه عمومی بانک مرکزی، تاکید رئیس کل بانک مرکزی بر هماهنگی کامل بین عوامل مختلف مرتبط با بازار قبل از عملیاتی‌شدن آن است. به گزارش تسنیم، بازار متشکل ارزی با هدف شناسایی و بهره‌برداری به‌شکل اصلی بازار آزاد با رویکرد آغاز به کار خواهد کرد. ایده راه‌اندازی این بازار برگرفته از تجربه چهاتی است. تجربه چهاتی نشان داده که براساس نیازهای بازار، بازیگران مداخله کرده و نیازهای ارزی را پوشش می‌دهند؛ در این نیز نباست به‌روی بازار متشکل ارزی رسما فعالیت خود را آغاز کند؛ هیئت مدیره این بازار طبق اعلام بانک مرکزی هفته قبل تشکیل شده و هم‌اکنون صرافی‌ها در حال تکمیل اطلاعات برای عضویت در بازار متشکل ارزی هستند.

فرزانه طهرانی: چند انحراف از قانون ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی در دوره احمدی‌نژاد و پس از آن، سبب تسلط سیاسیون بر شستا و انتصاب‌های نوصیه‌ای در این هلدینگ بزرگ شد. انتصاب مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره در خفا و به دنبال توصیه برخی نمایندگان مجلس، وزرا و افراد ذی‌نفوذ، شرایط را به اندازه‌ای بحرانی کرده که محسن پزشکیان، معاون پیشین سازمان تأمین اجتماعی از آن با عنوان فاجعه یاد می‌کند. او می‌گوید: اگر می‌خواهید بدانید در شستا چه فاجعه‌ای رخ داده است، باید به چند آیتم توجه کنید. ارزش روز دارایی‌های شستا ۴۵ هزار میلیارد تومان عنوان و در مقابل سود شستا در سال ۹۷، هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان اعلام می‌شود؛ یعنی شستا تنها سه درصد سود داده است. این میزان حتی سود واقعی هم نیست. بخشی از آن وام بانکی است که تأمین اجتماعی شرکت‌ها را مجبور کرده از بانک بگیرند و در قالب سود به این سازمان بدهند. اگر در ۲۰ سال گذشته حساب‌های تأمین اجتماعی را نگاه کنید؛ حداکثر منبع درآمدی که حاصل از سود فعالیت‌های اقتصادی شستا در بودجه سنوانی سازمان تأمین اجتماعی نوشته شده ۱۰ درصد است که آن هم از روی کاغذ فراتر نرفته است. ایزدخواه در این کفت‌وگو به لغو واگذاری ۱۳۰ شرکت به بابک زنجانی اشاره می‌کند و در نقد انتصاب‌های نوصیه‌ای می‌گوید: هرچند آقای شریعتمداری لیست اعضای هیئت‌مدیره شستا را منتشر کرد اما این لیست خام هیچ اطلاعی از سابقه، تخصص و میزان دریافتی مدیران به مخاطب نمی‌دهد. محسن ایزدخواه معاون پیشین سازمان تأمین اجتماعی در کفت‌وگو با «شرق» بحران تأمین اجتماعی را از منظر بودجه این صندوق در سال ۹۸ بررسی می‌کند که بالغ بر ۳۵ هزار میلیارد تومان کسری دارد.

برای ورود به موضوع روزنه‌های فساد در صندوق‌های بازنشستگی و بیمه به‌خصوص صندوق تأمین اجتماعی، ابتدا می‌خواهم تصویری از وضعیت حال این صندوق ارائه داده و نقش سوءمدیریت‌های گذشته و اتفاقات فسادآلودی را که پیش‌تر در این صندوق افتاده در ایجاد شرایط امروز صندوق توضیح دهید.

در یک جمع‌بندی کلی ما ۱۸ صندوق بازنشستگی در کشور داریم که در یک تقسیم‌بندی، می‌توانیم این صندوق‌ها را عمومی و اختصاصی نام‌گذاری کنیم. صندوق‌های اختصاصی طبقه‌ای از جامعه، وارثرخانه یا بخشی از کشور را تحت پوشش قرار می‌دهند. مانند صندوق بازنشستگی شهرداری، شرکت نفت، بانک‌ها یا فولاد. چهار صندوق هم وجود دارد که صندوق‌های عمومی هستند مانند صندوق تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری، صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح و صندوق بیمه روستاییان و عشایر. صندوق تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری سرجمع بیش از ۷۵ درصد از افراد واجد شرایط را تحت پوشش قرار داده‌اند. به تعبیر برخی سیاسیون اهمیت این دو صندوق آن‌قدر هست که اگر این دو صندوق عطسه کنند باقی ذات‌الریه می‌گیرند. بنابراین ما متمرکز می‌شویم روی صندوق تأمین اجتماعی تا تمامی از وضعیت کلی این صندوق‌ها را ارائه دهیم.

جند شاخص وجود دارد که نشان‌دهنده وضعیت منابع و مصارف صندوق‌های بیمه‌ای و تأمین اجتماعی هستند. مهم‌ترین شاخص نسبت پشتیبانی است. این نسبت می‌گوید چه تعداد افراد حق بیمه می‌پردازند و در مقابل چه تعداد افراد از آن برخوردار می‌شوند. از نظر تجربیات سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی این عدد اگر به شش برسد؛ یعنی شش نفر حق بیمه بپردازند و یک نفر برخوردار باشد، زنگ‌های خطر برای مدیریت آن صندوق‌ها به صدا در می‌آید و اگر این عدد به بیست برسد به معنی آن است که تعادل در منابع و مصارف به هم خورده و مصارف از منابع پیشی گرفته است.

امروز بررسی ضریب پشتیبانی ۱۴ صندوق اختصاصی نشان می‌دهد این شاخص به طور متوسط ۱۰۵ است و این به مفهوم آن است که این صندوق‌ها این روزها روی پای خود را ندارند.

پس بفرمایید وامه حیات می‌دهند؟

این صندوق‌ها از راه‌های مختلف برخوردار می‌شوند. به طور مثال صندوق بازنشستگی بانک‌ها از یک نوع ارث و حمایت از سوی بانک‌ها برخوردار است. بخشی از عایدات اینکه قبلا تعامله‌دید پول بانک‌ها بالاست نیز به این مسئله یاری می‌کرد. یعنی هزینه تعامله‌دید صندوق بازنشستگی به هزینه بانک اضافه شده. هزینه تعامله‌دید پول بالا می‌رود و نهایتا این هزینه به مردم تحمیل می‌شود. یا به عنوان نمونه‌ای دیگر صندوق بازنشستگی نفت یک‌سری کالا و خدمات از وزارت نفت دریافت کرده و با آن خرید و فروش و به نحوی از اراث استفاده می‌کند.

وضعیت خوب پشتیبانی صندوق‌های عمومی چگونه است؟

در این چهار صندوق عمومی، صندوق بازنشستگی کشوری و صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح زیر یک است. به این مفهوم که اگر دولت در بودجه‌های سالانه برای این صندوق‌ها عدد لحاظ نکند، تقریبا پیش از ۷۵ درصد هزینه‌های صندوق بازنشستگی کشوری و حدود صددرصد هزینه‌های صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح در ردیف‌های بودجه دیده می‌شود. صندوق بیمه روستاییان با توجه به اینکه صندوق خیوات است، هنوز خودکفایی داشته و منابع آن بر مصارفش برتری دارد. اما در رابطه با صندوق تأمین اجتماعی، براساس آخرین برآوردی که خود صندوق داشته، این عدد به زیر پنج؛ یعنی ۴.۹ رسیده است. بنابراین از نظر نرخ پشتیبانی، این صندوق، منابع کمتری از مصارف دارد و اگر ردیف‌های بودجه، فوض اموال و دارایی‌ها و وام‌های بانکی نباشد نمی‌تواند ادامه حیات بدهد.

ردیفی که در بودجه برای تأمین اجتماعی دیده شده، چقدر است؟

بودجه سال ۹۸ تأمین اجتماعی به لحاظ درآمدی بالغ بر ۱۲۲ هزار میلیارد تومان است و به همین میزان نیز باید هزینه کند. منتها آنچه مهم است اینکه هزینه‌ها صددرصد تحقق پیدا می‌کند، ولی تحقق درآمدها با اماواگر روبه‌رو است؛ به‌طورمثال از ۱۲۲ هزار میلیارد تومانی که به‌عنوان درآمد منظور کردند، باید بالانس‌کردن بودجه ۳۰ هزار میلیارد تومان سهم دولت قید شده است. این عدد تنها در کاغذ به‌عنوانی است که این کار تا استراتژی‌های اصلی اجرایی پرداخت کند. اما آنچه رسما در ارقام بودجه گنجانده شده عددی حدود سه هزار میلیارد تومان است. درواقع تأمین اجتماعی برای سال ۹۸ با کسری قابل‌توجهی مواجه است و فقط در ظاهر برای بالانس‌شدن منابع و مصارف در بودجه، ۳۰ هزار میلیارد تومان سهم دولت منظور شده است.

مجموع بدهی دولت به تأمین اجتماعی چقدر است؟

بدهی دولت به تأمین اجتماعی اگر بر مبنای قانون ساختار نظام جامع رفاه محاسبه شود که در آنجا قید شده «اگر دولت بدهی خود را پرداخت نکند موظف است مطابق نرخ اوراق مشارکت سود در نظر بگیرد»، بالغ بر ۱۸۰ هزار میلیارد تومان است. به‌رغم اینکه در قانون ساختار، قانون تأمین اجتماعی، قانون برنامه پنج‌ساله توسعه پنجم و ششم و قانون بودجه تأکید شده که علاوه‌بر پرداخت بدهی‌های گذشته نباید زمینه ایجاد بدهی آینده از این محل شکل بگیرد، اما به دلیل تنگناهای گذشته یا اینکه دولت هنوز درک نکرده که به‌خطرافتادن صندوق تأمین اجتماعی می‌تواند امنیت جامعه را تهدید کند، به لحاظ عملی فکری برای این موضوع نکرده‌اند. البته در یکی از تبصره‌های بودجه ۹۸ پیش‌بینی کرده‌اند که دولت حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان از بدهی‌هایش را در قالب بودجه یا بدهی‌های تأمین اجتماعی تسویه کند.

حتی اگر بپذیریم که اراده‌ای برای پرداخت این ۵۰ هزار میلیارد تومان از سوی دولت وجود داشته باشد، ما در ارقام بدهی‌های تأمین اجتماعی عددی نزدیک به ۴۲ هزار میلیارد تومان بدهی انباشته می‌بینیم. این دیون از سال‌های قبل به سال ۹۸ انتقال داده شده است. از سوی دیگر در بدهی‌های این صندوق پنج هزار میلیارد تومان نیز بابت پرداخت سود وام‌هایی که از بانک‌ها دریافت شده است، وجود دارد. پس با این دو شاخص؛ یعنی نرخ پشتیبانی و وضعیت مالی مشخص می‌شود که صندوق تأمین اجتماعی با بحران پیشی‌گرفتن منابع بر مصارف روبه‌رو است.

تأمین اجتماعی در سال ۹۸ با چقدر کسری بودجه مواجه است؟

اگر فرض را بر این بگذاریم که دولت ۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی خود را تهاتر کند، این پرداخت بخشی از دیون گذشته دولت به تأمین اجتماعی خواهد بود. صندوق تأمین اجتماعی دست‌کم بیش از ۳۵ درصد با کسری منابع روبه‌رو است؛ یعنی بین ۳۵ تا ۴۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه خواهد داشت.

هر سازمانی از دو محیط درونی و بیرونی اثرپذیر است؛ به‌طورمثال اگر نرخ بی‌کاری نک‌رقمی و تورم تک‌رقمی داشته باشیم یا نرخ سرمایه‌گذاری با جهش روبه‌رو شود و رشد اقتصادی قابل‌توجه داشته باشیم می‌تواند بر میزان درآمد صندوق تأثیر مثبت داشته باشد. اما در شرایطی که تمام این شاخص‌ها در سال جاری با پیش‌بینی افت مواجه است، می‌توان تخمین زد درآمدها به مراتب کمتر از آنچه پیش‌بینی شده است، باشد.

وزارت کار پیش‌بینی کرده در سال جاری یک میلیون نفر شغل خود را از دست می‌دهند و نرخ بی‌کاری افزایش می‌یابد. از آن‌طرف اعلام کرده‌اند که ۳.۳ میلیون نفر بی‌کار در کشور داریم. اینها همه از عوامل ارزکار بر درآمد صندوق است.

با این شرایط می‌توانیم به صندوق لقب ورشکسته بدهیم؟

در صندوق‌های بیمه‌ای بر اساس مقاوله‌نامه‌های مختلف سازمان بین‌المللی کار، از جمله مقاوله‌نامه ۱۰۲ که تأکید دارد تضمین‌کننده تعهدات صندوق‌های بیمه‌ای دولت‌ها هستند، اگر سازمان تأمین اجتماعی نتواند به تعهدات خود عمل کند، عملا دولت باید ورود پیدا کند و تعهدات این صندوق را برعهده بگیرد. پس مانند تعاریف شرکتی نمی‌توانیم عبارت ورشکستگی را برای این صندوق‌ها به کار ببریم. می‌توانیم بگوییم این صندوق‌ها قادر به انجام تعهدات خود نیستند و دولت به‌عنوان ضامن سود وام عمل نمود. البته اینجا به دلیل بار هزینه‌ای که این صندوق‌ها برای دولت ایجاد می‌کنند، مشکلات زیادی مانند جاب اسکناس و تورم برای اقتصاد ایجاد خواهد کرد.

طرح تحول سلامت چقدر بر هزینه‌های صندوق افزوده و چقدر از بحران بیش‌روی صندوق بیمه‌ها می‌کاهد؟

از روی‌کارآمدن دولت اقوای روحانی شاخص‌های سلامت در کشور بسیار نامطلوب بود. سالانه بیش از پنج تا هفت درصد جمعیت کشور به علت هزینه‌های کمرشکن درمان طبقه اجتماعی شان فرومی‌ریخت؛ یعنی اگر در طبقه متوسط قرار داشتند به طبقه‌های زیرین و ضعیف‌تر سقوط می‌کردند.

ضمن اینکه تجربیات اقتصادی جهانی و ایران نشان می‌دهد که آنانو تزریمی در بهداشت و درمان بودجه‌ای سرانه‌ای ارزی حوزه‌ها است؛ یعنی اگر یک تورم ۲۵ درصدی داشته باشیم آنان از در حوزه بهداشت و درمان بیش از ۳۰ درصد خواهد بود؛ بنابراین موردمسئله را دولت درست تشخیص داد که باید یکهیف درمان را بالا ببرد.

اما زمانی که می‌خواستند برنامه‌ای برای حل این مشکل طراحی کنند دچار اشتباهات فاحش شدند. اشتباه وزارت بهداشت در وهله نخست این بود که کمان می‌کرد از پنجره دست‌کاری قیمت‌ها و افزایش تعرفه‌های پزشکی کارایی را بالا برد و در راستای کارایی بتواند خدمات درمانی ارائه دهد. بر این اساس، کتاب افزایش تعرفه نسبی را در شورای عالی خدمات درمانی طرح کردند و تعرفه‌های پزشکی که بین صد تا چندصد درصد تعرفه‌های پزشکی بالا رفت. عملا هزینه‌های درمانی را به‌شدت افزایش دادند؛ به‌طوری‌که بعدها وزیر کار وقت خود عنوان کرد ما در این زمینه به دقت لازم را نداشتیم. هزینه‌های درمانی به حدی بالا رفت که هزینه‌های صندوق تأمین اجتماعی در طول ۳.۵ سال ابتدای اجرای طرح سلامت دو برابر ۵۲ سال گذشته شد.

ضمن اینکه بسیاری از ملاحظات دیگر مانند راهنمایی بالینی و پزشک خانواده نیز رخ شد. به این ترتیب هزینه‌های کمرشکنی که روی مردم بود به بیمه‌ها انتقال پیدا کرد. بر این اساس، بخشی از این ۴۲ هزار میلیارد تومان دیون تأمین اجتماعی ناشی از غفلتی است که صندوق‌های تأمین اجتماعی، خدمات درمانی و خدمات درمانی نیروهای مسلح و دولت داشتند. بنابراین برخی برنده وزارت بهداشت منجر به چالش بزرگ بین دو وزارتخانه رفاه و بهداشت و نهایتا باعث حذف وزیر بهداشت و استیضاح وزیر کار شد. در این بین، وزارت بهداشت تصورش این بود که با تغییر ساختارها می‌تواند اوضاع بیمه سلامت را به دست بگیرد. به همین دلیل لایحه‌ای درمورد گوفرم و طرح سلامت را از وزارت رفاه گرفته و به وزارت بهداشت سپردند اما عملا موفق نبودند که این کار تا استراتژی‌های اصلی اصلاح نکنند، نمی‌تواند موجب آرامش شود.

گفرض را بر این بگذاریم که دولت ۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی خود را تهاتر کند. این پرداخت بخشی از دیون گذشته دولت به تأمین اجتماعی خواهد بود. صندوق تأمین اجتماعی دست‌کم بیش از ۳۵ درصد با کسری منابع روبه‌رو است؛ یعنی بین ۳۵ تا ۴۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه خواهد داشت. درشرایطی که تمام این شاخص‌ها در سال جاری با پیش‌بینی افت مواجه است، می‌توان تخمین زد درآمدها به مراتب کمتر از آنچه پیش‌بینی شده است، باشد

طرح تحول سلامت هرچند در ابتدا به طور کامل رایگان بود، اما به مرور دولت قسمت قابل توجهی از مواد درمانی را از فهرست موارد تحت پوشش این بیمه خارج کرده است. با وجود کاهش قابل توجه سهم دولت از هزینه‌های درمان در این طرح باز هم بار مالی آن قابل کنترل نیست؟

تصمیماتی که طرح تحول سلامت گرفته بود بیشتر در بخش بستری متمرکز شد و سهم مردم در بخش بستری واقعا کمتر شد؛ اما در سایر بخش‌ها به علت دست‌کاری قیمت‌ها در بخش غیربستری به شدت افزایش پیدا کرد.

از سوی دیگر، دوست‌ها پیش از ۷۵ درصد بار مالی طرح تحول سلامت متوجه بیمه‌ها از جمله صندوق تأمین اجتماعی است که هم تولیدکننده درمان بود و هم مصرف‌کننده درمان. خود صندوق تأمین اجتماعی نیز با اجرای طرح سلامت در بیمارستان‌های خود هزینه‌های هنگفتی را متحمل شد. از آن طرف نیز که خود خریدار درمان بود با بی‌سنگی به نام کسری منابع مواجه شد. امروز هم می‌بینیم که یکی از چالش‌های بزرگ بین تأمین اجتماعی و وزارت بهداشت صورت گرفته است. حتی برای اینکه تأمین اجتماعی بتواند به تعهدات خود عمل کند، بخشی از اموال و بیمارستان‌های تأمین اجتماعی و مراکز درمانی و حرفه‌ای وزارت کار در گرو وکالت‌ها قرار گرفت تا تسهیلات بانکی وزارت کار بتواند به تعهدات خود در مقابل وزارت بهداشت عمل کند.

با تغییراتی که اکنون در وزارتخانه‌ها ایجاد شده، تصور بر این است که می‌خواهند راهنمای بالینی و پزشک خانواده را کنار شده که این خود عامل کنترل‌کننده و بازدارنده خدمات درمانی می‌باشد. ضمن اینکه سعی کرده‌اند در چند سال اخیر حداقل ارقام هزینه تعرفه‌های پزشکی را داشته باشند.

در کفته‌های حد اشاره‌ای کردید به پزشک‌بودن مسئولان وزارت بهداشت و صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌ای؛ می‌خواهم از این زاویه به موضوع انتصاب‌ها در صندوق تأمین اجتماعی ورود کنم. از نظر شما، چقدر از انتصاب‌های سال‌های اخیر سیاسی بوده است؟

تا قبل از قانون ساختار نظام رفاه و تأمین اجتماعی که سازمان تأمین اجتماعی تحت نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بود، به پیشنهاد وزیر بهداشت، مدیرعامل و و عضو هیئت‌مدیره از هیئت وزیران رای اعتماد می‌گرفتند. تجربه آن مقاطع نشان می‌دهد کسانی که از بیمارستان‌سازی‌ها ناشی از وابستگی سازمان تأمین اجتماعی به این وزارتخانه بوده است. در قانون ساختار نظام رفاه و تأمین اجتماعی، پیش‌بینی شد تصمیمات صندوق‌های بیمه‌ای در اتاق شیشه‌ای گرفته شود؛ یعنی شفاف‌سازی برترکنین ویژگی خوبی‌هایی ماند و ذی‌نفعان، اعم از کارکنان و کارفرمایان، از کارکردهای صندوق‌ها اطلاع داشته باشند.

تأمین اجتماعی چه سالی گرفته شد؟

سال ۱۳۸۳؛ بنابراین در قانون ساختار ماده‌ای به نام ۱۷ گنجانده شد که صندوق‌های بیمه‌ای را به داشتن مجوع مطلق می‌کرد. حال این مجمع می‌تواند به نام شورای عالی یا هیئت‌امنا فعالیت کند. اما وجود آن ضرورت پیدا کرد. این مجمع نیز باید نصف به اعافله یک نماینده دولت و نصف دیگر یک نماینده کارگران و کارفرمایان باشد. یک نفر اضافه دولت نیز به دلیل نقش کارانی‌کننده دولت در صندوق بود؛ چراکه یادداشتن شریک اجتماعی صندوق‌های بیمه‌ای در حوزه سه‌جانبه‌گرایی، دولت است.

در کنار این اتفاق، تصمیم‌گیری شد این هیئت‌امنا، هیئت‌مدیره اتخاذ کند. به‌جای اینکه هیئت‌مدیره مصوبه دولت را اتخاذ باشد یا به عبارتی دولتی باشد. این مجمع هیئت‌مدیره را اتخاذ کند. این هیئت‌مدیره نیز میدرعملی غیر از درون خود اتخاذ کند تا صندوق‌ها به سازمان تأمین اجتماعی از نوع خارج شده و حاکمیتی شرکتی بر آنها به وجود آید.

در تبصره‌های ذیل ماده ۱۷ نیز آورده شد لازم است افرادی که به‌عنوان نماینده کارگر یا کارفرما در این مجمع حضور پیدا می‌کنند، مدرک فوق‌لیسانس در یکی از رشته‌های مالی، اقتصاد، مدیریت، اقتوماتیک و حرف پزشکی داشته باشند. به عبارتی، فقط هیئت‌امنا به تصوب هیئت‌وزیران می‌رسید. ولی باقی کارها از بد و بیدو دولت صورت خارج می‌شد. در قانون ساختار تکیه شده بود صندوق‌های بیمه‌ای نیز هیرک برای خود مجمعی داشته باشند.

این تصمیمات مصادف شد با اتمام دولت اصلاحات و روی‌کارآمدن آقای احمدی‌نژاد. اگر به خاطر داشته باشید، آقای احمدی‌نژاد شعارهای عدالت‌خواهانه زیادی می‌دادند. تصور همه این بود که پیشانی این اقدامات آقای احمدی‌نژاد می‌تواند وزارت رفاه باشد. چون شعارهایی که ایشان درباره فقرزدایی، اشتغال و... می‌دادند، در این وزارتخانه شکل می‌گرفت. وقتی ایشان سر کار آمدند، مدت‌ها این وزارتخانه وزیر نداشت؛ بعد هم وزیری برای آن انتخاب شد که شاخ‌تی از عسلی مربوط به رفاه نداشت و امروز در زندان هستند. اختلافات بین وزارت رفاه و تأمین اجتماعی بالا گرفت که متعاقب آن وزیر برکنار شد و وزیر دیگری انتخاب شد.

با وجود آنکه مجلس تلاشت کرد قانون ساختار عملیاتی و اجرا شود، وزیر نیز با اجرای آن نمی‌رفت. انحراف از آنجا آغاز شد که مجلس برای آنکه دولت را وادار به اجرای قانون کند، تبصره‌ای به ماده ۱۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری اضافه کرد که در آن خطایی استراتژیک در رابطه با صندوق‌ها شکل گرفت. ابتدا گفته شد هیئت‌امنای تأمین اجتماعی اگرچه مربوط به تأمین واقع یا تصمیمی که گرفته شد، هیئت‌امنای تأمین اجتماعی عام‌تر رضایی صندوق بچند که در راستای سیاست‌های فردی او باشند.

طول مدیریت شستا به عنوان یک پارامتر همیشه در دوره‌های ملاک برای ارزیابی اجرای سیاست‌های بوده. این شاخص در دولت اوقای روحانی چگونه بوده است؟

طول مدیریت شستا در دوره اوقای ریبعی، کمتر از دولت آقای احمدی‌نژاد بوده است. این اتفاق علی‌رغم فرادهای بوده که جناب آقای ربیعی و نورخش می‌زدند که اینجا حیاط‌خلوت هیچ‌کس نیست. اینجا نیز سیاست آن شد که الان نزدیک دل سال است صندوق تأمین اجتماعی در مدیر آن و امروز دوره شاهد ۱۴ وزیر بوده‌ایم که ۱۴ وزیر را به اتمام رسیده است؛ درحالی‌که در قانون اولیه، به دلیل اهمیت جایگاه این صندوق‌ها، حتی یک روز نیز نباید بدون مدیر اداره می‌شدند.

سوءمدیت انحراف نیز که حکومرایی خوب این شرکت‌ها ایجاد شد، این بود که به‌جای اینکه هیئت‌مدیره به هیئت‌امنا برای تعیین مدیرعامل پیشنهاد بدهد، گفتند خود وزیر یا هیئت‌امنا می‌تواند مدیرعامل اتخاذ کند و مهم‌ترین مسئله‌ای که چارچوب سه‌جانبه‌گرایی و دخالت کارگر و کارفرما را به هم ریخت، این بود که تصمیم گرفته شد به‌جای اینکه نماینده دولت، کارگر و کارفرما پنج، چهار باشند، می‌توانند ۹ نفر باشند؛ یعنی شش نماینده دولت و سه نماینده کارگر و کارفرما. به این ترتیب امروز در هیئت امنا شش نماینده دولت، دو نماینده کارگر و یک نماینده کارفرما وجود دارد. بعد گفتند با شش نفر می‌توانند تشکیل شود و با پنج رای می‌تواند تصمیمات تبدیل به قانون شود. یعنی با این کار عملا نماینده کارگر و کارفرما اوت شدند. از اینجا بود که دخالت‌های دولت در سازمان تأمین اجتماعی برنگ شد. در همین اتنا با انحلال وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و ادغام آن با وزارت کار، آرزوی سالیان سال وزارت کار که دست‌اندازی به تأمین اجتماعی بود، برآورده شد.

حال این قانون جرای اجرائی‌شدن پیدا نیز به اساسنامه‌ای داشت که باید به تصویب هیئت وزیران می‌رسید. این اساسنامه به اینکه دولت قدرت خود را حفظ کند، به کوه‌های تنظیم شد که براساس آن انتخاب مدیرعامل شستا منوط به تایید وزیر باشد. به همین دلیل هم می‌بینید که وقتی آقای ربیعی وزیر شدند، پیش از آنکه هیئت‌مدیره صندوق تأمین اجتماعی تصمیم بدهد دامانه باشستا، مدیرعامل شستا را منصوب کردند. این در حالی است که همین اساسنامه گفته است که هیئت‌مدیره شستا، مدیرعامل، هیئت‌مدیره تأمین اجتماعی به سر آمده و بیش از شش ماه است که از مرگ دلخراش دکتر نوربخش می‌گذرد و تأمین اجتماعی با سیاست اداره می‌شود و تکلیف تأمین اجتماعی به عنوان مجمع شستا معلوم نیست اما قانون شریعتمداری مدیرعامل شستا را تنظیم کرده است. نکته مهم دیگری که سبب تسلط سیاسیون بر این عدد شد، نکته غالبی است که شورای نگهبان به قوه مجریه دارد. تفسیری که شورای نگهبان از قوه مجریه دارد این است که وزیر مسئول پاسخ‌گویی دستگاه‌های زیرمجموعه به مجلس است. این نکته کاملا با آن خطایی استراتژیک در رابطه با صندوق‌ها شکل گرفت. ابتدا گفته شد هیئت‌امنای تأمین اجتماعی اگرچه مربوط به تأمین واقع یا تصمیمی که گرفته شد، هیئت‌امنای تأمین اجتماعی عام‌تر رضایی صندوق بچند که در راستای سیاست‌های فردی او باشند.

طول مدیریت شستا به عنوان یک پارامتر همیشه در دوره‌های ملاک برای ارزیابی اجرای سیاست‌های بوده. این شاخص در دولت اوقای روحانی چگونه بوده است؟

طول مدیریت شستا در دوره اوقای ربیعی، کمتر از دولت آقای احمدی‌نژاد بوده است. این اتفاق علی‌رغم فرادهای بوده که جناب آقای ربیعی و نورخش می‌زدند که اینجا حیاط‌خلوت هیچ‌کس نیست. اینجا نیز سیاست آن شد که الان به زیرمجموعه‌ها، رویکردهای سیاسی را در مدیر آن و امروز اجتماعی و شستا مشخص کرده است. امروز با وجود قانون اینجا، قانونی که چگونگی تعیین هیئت‌مدیره را مشخص کرده اما هنوز به بند عمد اجرای قانون ساستان شستا و عدم تبیین این قانون در مراجع ذی‌صلاح، با بحران انتصاب روبه‌رو هستیم. به همین دلیل می‌بینیم آقای رئیس‌جمهور فرمان می‌دهد که شرکت‌های ش